

افزایش کارآئی عقود
در عرضه وجوه و خدمات بانکی
«مطالعه موردی: بانک کشاورزی»

جناب آقای دکتر سید کاظم صدر
دانشیار دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

بسمه تعالی

تصویب و اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا موجب حذف بازار وام از اقتصاد ایران به طور رسمی گردید و بانکها را از عرضه کنندگان وام در بازار مزبور به عرضه کنندگان وجوه سرمایه گذاری و قرضه الحسنه در بازار سرمایه و کالا مبدل ساخت. وجوه یا تسهیلاتی که بانکها از ۱۳۶۳ که قانون یاد شده به اجرا درآمد، به متقاضیان ارائه کرده اند با استفاده از عقودی که در قانون مزبور پیشنهاد شده صورت گرفته است. بنابراین، عقود، جانشین قرارداد وام شده و کلیه وجوه سرمایه گذاری و تسهیلات مالی از طریق قراردادهای مزبور به متقاضیان عرضه شده است. تناسب عقود با نیازهای متقاضیان و سنخیت آنها با فعالیتهای گوناگون تولیدی و خدماتی در بازار سرمایه و کالا سبب سرعت انتقال وجوه قابل عرضه به مصرف کنندگان شده و کارآئی فعالیتهای

سرمایه‌گذاری را بالا می‌برد. بدین جهت مطالعه عقود مزبور و آئین‌نامه‌هایی که برای کاربرد آنها وضع شده اهمیت شایانی در افزایش کارآئی عملیات بانکداری بدون ربا دارا می‌باشد.

آمار مانده تسهیلات اعطائی بانکها به بخش غیردولتی نشان می‌دهد که استفاده از عقود از سال ۱۳۶۳ به بعد یکسان نبوده است. به مرور زمان از برخی عقود بیشتر و از برخی کمتر استفاده شده است. برای مثال، جدول یک نشان می‌دهد که درصد مانده تسهیلات اعطائی از طریق عقد مضاربه از سال ۶۳ تا ۷۰ کاهش یافته و فروش اقساطی افزایش یافته است. سلف و جعاله نیز طی همین دوره افزایش یافته و مشارکت مدنی و حقوقی جز در سال ۱۳۷۰ تقریباً ثابت مانده است. درصد مانده خرید دین، قرض الحسنه، و سرمایه‌گذاری مستقیم کاهش یافته است. اگر فرض کنیم که نسبت ورود و وصول مطالبات بابت تسهیلات اعطائی از طریق عقود در طی سالهای ۶۳ تا ۷۰ تغییر محسوسی نکرده است، افزایش مانده تسهیلات عقود نشان‌دهنده عرضه بیشتر و جوه از طریق آن عقود است. با این فرض، بانکهای تجاری و تخصصی، در مجموع، عقدهای فروش اقساطی، سلف، و جعاله را مناسب‌تر با نیازهای متقاضیان از سایر عقود برای ارائه خدمات دریافتی و عقدهای مضاربه، قرض الحسنه، و اجاره به شرط تملیک را به نسبت کمتری از سایر عقود به کار برده‌اند.

در بانک کشاورزی که یک بانک تخصصی محسوب می‌شود نیز به طور یکسان از عقود استفاده نشده است. نیمی از تسهیلات مستقیم از طریق فروش اقساطی بوده است. سهم جعاله از تسهیلات پرداختی در سالهای ۶۳ و ۶۴ پائین و در دو سال بعد به طور چشمگیری بالا می‌رود. منتهی از سال ۶۸ سهم این عقد و نیز قرارداد سلف رو به کاهش رفته و در عوض درصد تسهیلات پرداختی به شکل مشارکت مدنی و مضاربه افزایش می‌یابد (جدول شماره ۲).

پدیده‌های فوق نشان می‌دهد که عقود دارای ویژگیها و مطلوبیتهای متفاوتی برای بانکهای مختلف می‌باشند که به:

جدول (۱) مبلغ و درصد مانده تسهیلات پرداخت شده به بخش غیر دولتی بر حسب عقود
از طریق بانکهای تجاری و تخصصی

(واحد: میلیارد ریال و درصد)

نوع عقد	۱۳۶۳		۱۳۶۴		۱۳۶۵		۱۳۶۶		۱۳۶۷		۱۳۶۸		۱۳۶۹		۱۳۷۰	
	مبلغ	درصد	مبلغ	درصد	مبلغ	درصد	مبلغ	درصد	مبلغ	درصد	مبلغ	درصد	مبلغ	درصد	مبلغ	درصد
فروش انشایی	۲۲۷/۵	۳۳/۳	۶۰۳/۸	۳۷/۲	۹۹۰/۹	۳۵/۳	۱۶۵۷/۵	۳۵/۳	۲۴۵۲/۲	۲۶/۶	۳۵۳۳/۷	۲۶/۲	۵۲۶۹/۹	۲۸/۷	۷۶۶۸/۳	۲۶/۸
مشارکت مدنی	۱۰۹/۱	۱۳	۲۲۲/۱	۱۳	۳۸۴/۲	۱۳/۷	۵۳۹/۳	۱۳/۷	۶۰۸/۷	۱۱/۶	۹۶۵/۲	۱۷/۷	۱۶۲۰/۶	۱۴/۲	۲۹۰۰/۷	۱۴/۲
مشارکت	۱۳۲/۶	۱۸/۲	۲۹۳/۶	۱۵/۷	۲۲۹/۲	۱۵/۳	۷۰/۹	۱/۴	۳۷/۹	۱/۵	۳۸۴/۲	۷/۷	۷۳۰/۲	۶/۷	۱۱۴۲/۹	۶/۷
جمعا	۷/۴	۰/۳	۲۵/۶	۱/۵	۳۷/۹	۱/۴	۷۰/۹	۱/۴	۱۴۳/۸	۱/۸	۳۸۴/۲	۷/۷	۷۳۰/۲	۶/۷	۱۱۴۲/۹	۶/۷
سلف	۲۴/۸	۲/۶	۵۸/۸	۲/۳	۱۰۸/۹	۲/۹	۱۵۱/۲	۲/۸	۲۵۵/۳	۲/۸	۵۰۵/۰	۲/۶	۵۸۸/۶	۵/۲	۸۰۹/۰	۲/۹
مشارکت حقوق	۲۶	۲/۵	۱۳۵/۸	۷/۲	۱۸۲/۲	۶/۵	۲۷۶/۷	۷	۳۷۱/۶	۷	۴۳۵/۴	۵/۷	۵۰۹/۹	۲/۵	۷۸۵/۰	۲/۸
توضیحات	۷۸/۴	۱۰/۵	۱۹۹/۱	۱۰/۶	۳۲۱/۴	۱۱/۵	۴۱۱/۹	۱۱/۶	۵۰۷/۵	۹/۶	۵۴۳/۵	۷/۵	۶۳۹/۸	۵/۷	۶۸۲/۰	۲/۱
اجاره بشرط تنبلیک	۲۷/۹	۲	۳۷/۳	۲	۵۱/۸	۱/۸	۸۳/۰	۷/۱	۹۸/۸	۱/۹	۱۰۶/۷	۱/۴	۱۲۵	۱/۱	۲۳۲/۲	۱/۴
سرمایه گذاری مستقیم	۲/۴	۲/۵	۶۵/۹	۲/۵	۷۴/۴	۲/۷	۶۴/۳	۱/۶	۶۷/۵	۱/۴	۹۷/۶	۱/۴	۱۴۳/۵	۱/۳	۲۱۱/۸	۱/۳
خرید دین	۸۵/۰	۹/۹	۱۸۶/۲	۹/۹	۱۷۶/۵	۶/۳	۱۲۰/۳	۳	۵۲/۶	۱	۴۱/۹	۰/۵	۳۲	۰/۳	۱۶/۶	۰/۱
مستقره	۱/۷	۱/۱	۲۱/۶	۱/۱	۲۶/۲	۱/۶	۷۰/۴	۱/۸	۱۳۵/۳	۷/۶	۱۶۸/۹	۷/۲	۲۲۹/۶	۲	۳۹۲/۶	۷/۴
جمع کل	۷۲۳/۸	۱۰۰	۱۸۷۱/۸	۱۰۰	۲۸۰۳/۶	۱۰۰	۲۹۳۶/۹	۱۰۰	۵۲۶۵/۸	۱۰۰	۷۶۱۳/۱	۱۰۰	۱۱۲۳۱/۰	۱۰۰	۱۶۳۲۵	۱۰۰

واحد: درصد و میلیون ریال
جدول (۲) سهم هر عقد از کل تسهیلات مستقیم بانک کشاورزی

درصد	تسهیلات		فروش اقساطی		سلف		جماله		مشارکت مدنی		مضاربه		اجاره به شرط تملیک		قرض الحسنه		جمع
	درصد	مبلغ	درصد	مبلغ	درصد	مبلغ	درصد	مبلغ	درصد	مبلغ	درصد	مبلغ	درصد	مبلغ	درصد	مبلغ	
۱۰۰	۲۵	۲۶۲۵۱	-	-	۲/۶	۷۷۷	۰	۱۲	۲	۱۹۷۳	۹/۱	۹۵۱۵	۵۱/۳	۵۳۳۴۳	۱۰۴۰۲۱	۶۳	
۱۰۰	۱۹/۶	۲۰۹۰۷	-	-	۰	۷۳	۱/۴	۱۴۸۷	۵/۶	۵۸۹۶	۱۶/۲	۱۷۳۰۳	۵۷/۲	۶۰۹۷۱	۱۰۶۶۲۷	۶۴	
۱۰۰	۲۲/۷	۲۴۹۲۴	-	-	۰	۲۲۴	۱/۰	۹۴۰	۶/۱	۶۶۵۱	۱۷/۷	۱۹۳۶۱	۵۲/۵	۵۷۵۶۹	۱۰۹۶۷۹	۶۵	
۱۰۰	۷۸/۰	۶۶۴۴۵	۰	۲۸	۰	۳۲۵	۱/۰	۱۴۴۷	۷/۱	۱۱۶۸۷	۱۵/۹	۲۶۱۸۰	۴۸/	۷۹۴۲۷	۱۶۵۶۰۹	۶۶	
۱۰۰	۲۰/۹	۴۸۷۸۵	۱/۰	۲۰۳۴	۰	۷۵۰	۱/۱	۲۵۶۱	۱۰/۰	۲۲۹۱۴	۱۶/۶	۳۸۹۲۸	۵۰/۴	۱۱۸۰۰۰	۲۳۳۹۸۲	۶۷	
۱۰۰	۱۱/۱	۴۱۲۰۳	۰	۴۱۳	۰/۷	۱۹۱۶	۱/۹	۵۳۳۱	۱۳/۱	۳۶۷۸۲	۲۰/۰	۵۵۹۵۹	۵۳/۲	۴۹۴۵۹	۷۸۱۰۶۳	۶۸	
۱۰۰	۱۰/۶	۴۳۸۵۵	۰/۲	۷۷۲	۹/۵	۴۵۵۶۴	۸/۵	۲۴۲۱۴	۱۱/۰	۴۵۶۴۱	۱۴/۸	۶۱۷۳۱	۴۸/۱	۲۰۰۰۱۷۹	۴۱۵/۹۹۶	۶۹	
۱۰۰	۱/۷	۱۰۶۰۶	۰/۵	۳۲۱۹	۲/۷	۱۷۱۱۷	۲/۹	۱۳۶۸۳۵	۳/۴	۲۱۱۴۲	۱۳/۹	۸۷۰۵۸	۵۵/۹	۴۵۰۱۳۸	۶۲۶۱۱۵	۷۰	

ساخته: بانک کشاورزی اداره آمار و بررسیمهای اقتصادی.

۱ - امتیازات

۲ - کاربردها

۳ - محدودیت‌های

هر عقد بستگی دارد.

ویژگیهای هر عقد

۱ - امتیازات:

امتیاز مشترکی که تمام چهارده عقد پیش‌بینی شده در قانون بانکداری دارا می‌باشد شکل معتبر و قانونی و مجاز آنهاست. هر یک از قراردادهای نامبرده سهم سرمایه بانک را در فعالیت یا خدمت مورد مشارکت یا معامله تعیین می‌کند و نیز حق بانک را از سود یا درآمد قابل حصول مشخص می‌سازد. با استناد به عقد بسته شده، بانک در تمام مراجع قانونی و شرعی می‌تواند حقوق خود را استیفا کند. قراردادهای مزبور به روشنی و بدون ابهام حقوق و امتیازات بانک و شرکاء آن را معین می‌سازند و با استناد به آنها در صورت فوت شریک، ورشکسته شدن او، یا انتقال متاع مورد معامله، بانک می‌تواند سهم خود را از شریک یا وصی او بازستاند و از حمایت قانونی و شرعی مراکز مربوط و خوشبینی سایر شرکاء برخوردار باشد.

در عین حال، برخی از عقود دارای امتیازات ویژه خود می‌باشند. به علت آشنائی قبلی داد و ستد کنندگان با عقد فروش اقساطی و کاربرد وسیع آن در بازار کالا پیش از تصویب قانون بانکداری جدید، عقد مزبور پس از تصویب قانون نیز دارای مقبولیت خاص خود در اذهان شرکای بانک بود و بسته شدن آن نیاز به توضیحات اضافی مسئولان بانک نداشت. در حالی که قرارداد جعاله برای اغلب تولیدکنندگان و تجار نا آشنا بود و استفاده از آن مستلزم صرف وقت بانکداران برای توضیح آن به مشتریان بود.

امتیاز دیگری که قرارداد فروش اقساطی و برخی عقود دیگر دارند آن است که آنها عقدی لازم هستند، در حالی که، مضاربه و برخی از عقود جایز هستند. لازم بودن عقد به

معنای آن است که هیچیک از طرفین قرارداد نمی‌توانند تا پایان عقد و بدون توافق طرف دیگر قرارداد را به هم بزنند، در حالی که چنین حقی برای دو طرف در عقد مضاربه که جایز است وجود دارد. به همین جهت، هرگاه از مضاربه استفاده می‌شود، بانکها ناگزیرند ضمن یک عقد خارج و لازم جواز حق فسخ عقد را برای طرفین قرارداد سلب کنند. بدیهی است نیاز به بستن عقد دوم از مطلوبیت کاربرد عقد جایز برای بانکها می‌کاهد.

عقدهای پیشنهاد شده در قانون بانکداری را می‌توان بر اساس تعیین شدن مبلغ درآمد قابل حصول یا درصد آن به دو دسته تقسیم کرد. دسته نخست شامل عقود نظیر فروش اقساطی، اجاره، اجاره به شرط تملیک و حتی جعاله می‌شود، که در آن فروشنده و خریدار ارزش حال و آینده سرمایه یا کالای مورد مبادله را می‌دانند. کالائی که به اقساط فروخته می‌شود، به طور نقد نیز خرید و فروش می‌شود. وقتی دو طرف به مبادله اقساطی می‌پردازند که ارزش حال معامله اقساطی بیشتر از قیمت نقد آن باشد. چون قیمت نقد کالا در بازار معلوم است و مبلغ و مدت اقساط معامله از پیش تعیین شده است. نرخ بازدهی سرمایه در فعالیت مورد معامله کاملاً قابل پیش‌بینی است. همین‌طور نرخ بازدهی در عقود اجاره و جعاله از پیش قابل محاسبه و وصول است. در حالی که در قراردادهای مشارکت مدنی، حقوقی و مضاربه فقط درصد سود یا درآمد قابل حصول، که به هر یک از طرفین تعلق می‌گیرد، از پیش قابل تعیین است و نه نرخ بازدهی قطعی سرمایه، زیرا سود قابل وصول تحت تاثیر عوامل برون‌زا ممکن است مثبت یا منفی شود و در این دسته از عقود نرخ بازدهی سرمایه گذاری از پیش قابل تعیین نیست. در دسته اول، چون مبلغ اقساط یا اجاره در زمان عقد قرارداد مشخص می‌گردند و قیمت نسبه کالا و مقدار آن نیز در ابتدای قراردادهای فروش نسبه معلوم می‌گردند، عوامل برون‌زا، خواه اقتصادی، خواه طبیعی و خواه فنی، بر توافق اولیه اثر نمی‌گذارند و نرخ سود پیش‌بینی شده با آنچه تحقق یافته مساوی می‌شود. همین خصوصیت که در فعالیت‌هایی که با عقدهای دسته اول بسته می‌شوند نرخ بازدهی بدون احتمال خطر قابل پیش‌بینی است و یکی از امتیازات مهم آنهاست. عقدهای دسته دوم، یعنی انواع گوناگون مشارکتها، فاقد

این امتیاز هستند.

۲ - کاربردها:

از جنبه کاربرد، نیز عقود دارای وجوه مشترک و متفاوتی هستند. همه آنها هم برای فعالیتهای کوتاه مدت هم بلندمدت قابل استفاده هستند. هم به شکل فردی ممکن است بسته شوند و هم گروهی. طرف قرارداد ممکن است شخصی حقیقی باشد. در عین حال، کاربرد هر عقد معمولاً با یک یا چند فعالیت خاص تناسب دارد. مثلاً از عقد سلف فقط برای پیش خرید محصول می توان استفاده کرد. از معاملات نسیه یا اقساطی فقط برای فروش یا خرید کالائی معین طی یک یا چند دوره زمانی می توان بهره جست. مشارکت نسبتاً کاربرد وسیعی دارد، در عین حال، به راحتی جانشین معاملات قبلی نمی شود. مضاربه در مشارکتهای بازرگانی کاربرد بارزی دارد. البته برخی از عقود را ممکن است با تلاش زیاد جانشین برخی دیگر ساخت، اما این جانشینی، به هر حال، کامل نیست و مطلوبیت کاربرد عقود مختلف متفاوت است.

ذکر این نکته مفید است که تلاش برای جانشین کردن عقود یا گسترش دادن دامنه کاربرد یک عقد فعالیتی فقهی و حقوقی است و هر چه صاحب نظران نامبرده در این زمینه کوشش کنند بر قابلیت کاربری هر یک از عقود می افزایند. به علاوه، باید توجه داشت که قراردادهای قابل استفاده محدود به چهار عقد مذکور در قانون نیست. هر عقد جدید یا پیشنهادی که شرایط کلی صحت عقد را دارا باشد قابل استفاده توسط بانکها می باشد، مشروط بر آن که قبلاً در شورای پول و اعتبار مطرح شده و مورد تصویب قرار گیرد. این تذکر اهمیت تلاش حقوق دانان را در افزایش انعطاف و کاربری عقود نشان می دهد.

۳ - محدودیتهای:

عقود دارای محدودیتهائی نیز می باشند. ماهیت هر عقد که موجب کمی کاربرد آن

می‌شود محدودیتی برای آن ایجاد می‌کند. ولی محدودیت بزرگی که کاربرد عقود در نظام جدید بانکداری ایران با آن روبرو است آئین‌نامه‌هایی است که برای استفاده از آنها توسط بانک مرکزی و بانکهای مجری نوشته شده است: به طوری که، هر عقد عبارت شده است از مجموعه آئین‌نامه‌های خاصی که باید همگی هنگام انعقاد آن رعایت گردند. آئین‌نامه‌های مزبور کاربرد عقود را کاملاً محدود می‌سازند. مثلاً، فروش اقساطی را به دو قرارداد جداگانه فروش مواد اولیه و فروش ماشین‌آلات تبدیل ساخته و اولی را برای موارد کوتاه‌مدت و دومی را برای بلندمدت محدود ساخته است. در بانک کشاورزی جعاله فقط برای فعالیت بلندمدت به کار می‌رود و در بانکهای تجاری مشارکت مدنی به سه نوع متفاوت تولیدی، بازرگانی و خدماتی تبدیل شده است. پیدا است که محدودیتهای یاد شده از کار آئی عقود می‌کاهد و بر مطلوبیت کاربرد آنها در بانکها اثر می‌بخشد.

کل وجوهی که هر بانک می‌تواند از طریق یک عقد عرضه کند نباید از سقف معینی تجاوز کند. در بانک کشاورزی میان وجوهی که برای تامین مخارج جاری بنگاهها داده می‌شود نسبت به وجوهی که برای سرمایه‌ای آنان داده می‌شود، یک نسبت معینی باید برقرار باشد. چون مخارج یاد شده به ترتیب از طریق عقود کوتاه و بلندمدت عرضه می‌شود، رعایت این نسبت محدودیتی برای عقود مزبور ایجاد می‌کند.

هدف مطالعه

ویژگیهای فوق، چنان که تشریح شد، مطلوبیت کاربرد عقود را در بانکهای مختلف متفاوت می‌سازد. به همین جهت، روند استفاده از آنها در طی زمان طبق جدولهای یک و دو تغییر کرده است. توضیح این تغییر و یا علت استفاده هر بانک از عقود معین و معدود، انگیزه اصلی این مطالعه را تشکیل می‌دهد. در توضیح موضوع، باید متذکر شد که اجرای قانون بانکداری جدید که موجب حذف بازار وام و ورود بانکها به بازار سرمایه یا کالا به شکل عرضه کنندگان وجوه شد، فعالیتهای آنها را به صورت معامله و مشارکت در

بازارهای اخیر درآورده است. هر قرارداد از یک طرف موجب درآمد برای بانک و از سوی دیگر سبب تحمل هزینه می‌شود. درآمد قابل وصول بستگی به نرخهای سود فعالیت‌های کشاورزی، صنعتی، و بازرگانی دارد که در شورای پول و اعتبار تصویب و تعیین شده است. مخارج هر عقد عبارت است از هزینه نیروی کار و سرمایه‌ای که صرف اختصاص وجوه جمع‌آوری شده به فعالیت‌های اقتصادی مختلف می‌شود. با توجه به میزان تقاضا در بازار کالاهای مصرفی و سرمایه‌ای و درآمد حاصل از هر فعالیت سرمایه‌گذاری و هزینه عرضه وجوه به آن، فرض می‌شود که بانکها از عقود برای منظور یاد شده استفاده می‌کنند که سود آنان را بیشینه کند. این بیشینه‌سازی با کمینه کردن هزینه قراردادهای مزبور رابطه مستقیم دارد. هدف این مطالعه یافتن راهی است که باعث کاستن هزینه عقود مورد استفاده در بانک کشاورزی می‌شود. چنان که گفته شد، هم تجهیز پس‌اندازها و هم سرمایه‌گذاری آنها در فعالیت‌های مختلف برای بانک هزینه‌بر است. آنچه در این مطالعه مد نظر است، هزینه‌های مزبور نیستند بلکه هزینه بستن قرارداد است که برخی از آن به بانک و برخی به مشتری تحمیل می‌شود و برخی به دو طرف. به همین جهت در زیر عواملی که موجب پیدایش این هزینه‌ها می‌شوند تشریح شده تا سپس راههای کاهش یا حذف آنها جستجو شوند.

انواع هزینه عقود

۱ - عامل ماهیت عقد و آئین نامه‌های آن

این عامل قبلاً تحت عنوان ویژگی‌های عقود تذکر داده شد. عدم آشنائی مشتریان با یک عقد، مبهم و روشن نبودن کیفیت تطبیق آن بر فعالیت مورد مشارکت موجب تاخیر در عقد قرارداد شده و از سهولت کاربرد آن می‌کاهد. به همین جهت تا مدتی پس از تصویب قانون جدید، عقد جماعه در بانکهای بسیاری به کار نمی‌رفت. پس از تلاشهای حقوقی و کارشناسی زیاد این عقد مورد استفاده قرار گرفت. هم‌اکنون بسته شدن قرارداد جماعه بین بانک و مشتری مستلزم حضور و امضای طرف پیمانکار نیز هست. به عبارت

دیگر این قرارداد سه جانبه است. از یک طرف پیمانکار تعهد می‌کند که خدمت مورد تقاضا را به عوض بانک عرضه کند، از طرفی بانک تعهد می‌کند که هزینه این خدمت را به جای مشتری به پیمانکار بپردازد و از طرف دیگر مشتری امضاء می‌کند که تسهیلات بانک را به اقساط بپردازد. طبیعی است که ضرورت استفاده از طرف سوم و امضاء او برای تضمین حسن اجرای قرارداد بر هزینه کاربرد آن می‌افزاید.

شبهت قرارداد جعاله به قرارداد حق‌العمل کاری که در قانون مدنی ایران پیش‌بینی شده است موجب شد که مسئولان وزارت امور اقتصادی و دارائی ادعا کنند هم چنان که پیمانکار طرف قرارداد مقاطعه کاری باید ۵ درصد مبلغ قرارداد مالیات بپردازد، مشتری طرف قرارداد جعاله نیز باید مالیات مزبور را پرداخت کند. همچنین مسئولان بیمه تامین اجتماعی به استناد همان شبهت قانونی خواستار پرداخت ۵ درصد حق بیمه از مشتری طرف قرارداد جعاله شدند. این ادعا باعث شد که از سال ۶۸ بانک کشاورزی درصدد جانشین کردن جعاله به وسیله عقد مشارکت برآید. چنان که ملاحظه می‌شود این شبهت شکل قرارداد و ابهام در تعلق گرفتن مالیات و حق بیمه، هزینه بستن قرارداد جعاله را بالا برد.

آئین‌نامه‌های اجرائی هر عقد عامل دیگری هستند که هزینه آن را بالا می‌برند زیرا محدودیت در کاربرد آن ایجاد می‌کنند. علاوه بر محدودیتهای گفته شده، یعنی کوتاه و بلندمدت کردن عقد، تولیدی یا خدماتی نمودن آن، بانک مرکزی سقف تسهیلات قابل پرداخت به قراردادهای فردی و گروهی را تعیین می‌کند. از سوی دیگر، بانک کشاورزی مایل به حفظ تناسبی میان تسهیلات سرمایه‌ای یا بلندمدت و جاری یا کوتاه‌مدت است. در نتیجه، استفاده از عقود کوتاه‌مدت و بلندمدت بستگی به حفظ این نسبت پیدا می‌کند.

۲ - هزینه‌های بستن قرارداد برای مشتری و بانک
تفکیک میان عقد و آئین‌نامه‌های اجرائی آن، چنان که گفته شد، امکان‌پذیر نیست. در عمل اجرای آئین‌نامه‌های مزبور هزینه‌هایی را هم برای متقاضی تسهیلات و هم برای

بانک ایجاد می‌کند.

هزینه‌های مشتری عبارت است از صرف وقت برای مراجعه به دواير و مراکز مختلف برای تهیه مدارک و اسناد مورد نیاز و پرداخت حق ثبت، فرمهای وثیقه‌های مورد نظر بانک. آوردن پیمانکار طرف قرارداد به بانک جهت امضای قرارداد جماله یکی دیگر از هزینه‌های مشتری است. بنابر این هزینه فرصت وقت صرف شده و هزینه‌های ثبت و تهیه مدارک لازم که در آئین‌نامه‌های هر عقد پیش‌بینی شده است هزینه‌های مشتری را تشکیل می‌دهد.

برای بانک فرآیند اخذ اطلاعات از مشتری، ارزیابی تقاضای وی، بررسی سوابق او، محاسبه سهم‌الشرکه و سود دو طرف، انتخاب عقد یا عقود مناسب و بالاخره تشکیل پرونده و نگهداری اسناد مستلزم صرف وقت است. آئین‌نامه‌های فعلی بانک کشاورزی فرآیند فوق را به حداکثر ۱۶ مرحله به شرح زیر تقسیم می‌نماید:

۱. مذاکره با مشتری
۲. تشکیل پرونده
۳. بررسی بدهی مستقیم ضامن و متقاضی
۴. بررسی سوابق معاملاتی غیرمستقیم ضامن
۵. ضمیمه نمودن پرونده‌های غیرمستقیم ضامن و متقاضی
۶. قبول درخواست، ارزیابی و تصویب تسهیلات
۷. انجام عملیات حسابداری
۸. نگهداری و کنترل قراردادها
۹. برگشت پرونده پس از پرداخت به دایره اعتبارات
۱۰. انعکاس اطلاعات آماری
۱۱. بایگانی پرونده
۱۲. نظارت و بازرسی
۱۳. تحویل کار به مشتری و بهره‌برداری مشتری

۱۴. وصول مطالبات

۱۵. صدور اجرائیه در مواقع تاخیر مطالبات

۱۶. مراحل اضافی بر حسب مورد

هر یک از مراحل فوق شامل مراحل فرعی نیز می‌باشد. برای مثال مرحله هفتم حسابداری شامل ۳۰ مرحله فرعی و مرحله چهاردهم وصول مطالبات نیز دارای ۲۰ مرحله فرعی است. در مجموع، اعطاء تسهیلات از طریق جعاله، مشارکت مدنی، و فروش اقساطی ماشین‌آلات دارای حداکثر ۹۷، ۹۰، ۸۹ مرحله به ترتیب می‌باشد. ملاحظه می‌شود که اجرای آئین‌نامه‌ها چه اندازه موجب صرف وقت برای نیروی انسانی بانک می‌گردد.

علاوه بر آئین‌نامه‌ها، تشکیلات و سازماندهی دواير بانک در تعیین هزینه قرارداد سهام هستند. تقسیم صحیح کار میان دواير مختلف موجب کاستن ازدحام و سرعت انجام خدمت می‌شود. تعیین تعداد دواير متناسب با حجم کار به حسن تقسیم آن کمک می‌کند.

۳ - هزینه‌های عدم اعتماد

در آئین‌نامه‌های عقود و در رویه متداول در بانکها مواد و روشهایی است که رعایت آنها موجب بی‌اعتمادی مشتری به بانک می‌شود. در قرارداد مضاربه، سود میان عامل کار و تامین‌کننده سرمایه تقسیم می‌شود و زیان به طرف دوم تعلق می‌گیرد. در آئین‌نامه عقد مزبور بانکها از مشتری خود تعهد می‌گیرند که در صورت پیش‌آمد ضرر آن را مشتری متقبل شود. علاوه بر آن شرط می‌کنند، که سود مورد انتظار بانک را نیز مشتری پرداخت کند. گرچه برای گنجاندن برخی از این شرطها در قرارداد محمل قانونی و فنوای شرعی تهیه شده است و به همین جهت در شورای پول و اعتبار تصویب گردیده است. اما به نظر عموم مشتریان و در سوق مسلمین این شرطها خلاف مقتضای عقد می‌باشد. در هر صورت، پس از مشاهده این شرط، مشتری نسبت به بانک بدبین می‌شود و اصراری در

ارائه اطلاعات کامل به بانک نمی‌یابد. رویه دیگری که هنگام بستن قرارداد مشارکت مدنی مشاهده می‌شود ارزیابی کردن املاک و دارائی‌های مشتری به نرخی کمتر از ارزش بازاری آن است. این نوع ارزیابی نیز مشتری را نسبت به بانک بدبین می‌سازد و انگیزه ارائه اطلاعات کامل راجع به منافع به دست آمده را برای او تقلیل می‌دهد. چون بانکها در بازار سرمایه‌داری دارای موقعیت شبه انحصاری هستند می‌توانند شرایط فوق را به مشتریان تحمیل کنند. در عوض، از دست‌یابی به اطلاعات کامل و درآمد واقعی ممکن است بازماند و فرهنگ بانکداری اسلامی را خدشه‌دار کنند.

اهمیت کاستن هزینه‌های فوق

هزینه‌های مورد اشاره نه فقط موجب کاهش کارآئی خدمات بانک و عرضه و جوه و درآمد حاصل از آنها برای بانکها می‌شود بلکه بر بازار کالا و عوامل تولید در کل اقتصاد ایران اثر نامطلوب می‌گذارند و موجب پیدایش تورم و بیکاری در جامعه می‌شوند. در زیر به تشریح کیفیت پیشامد این پدیده می‌پردازیم.

چنان که گفته شد تحریم ربا موجب حذف بازار وام از اقتصاد می‌گردد. با حذف این بازار و تعطیل شدن خرید و فروش اوراق قرضه، بازار پول معنای سابق خود را از دست می‌دهد. در بازار پول دیگر نرخ بهره به طور رسمی و قانونی مشاهده نمی‌شود و کسی به خرید و فروش اوراق قرضه یا داد و ستد وام بر مبنای نرخ بهره نمی‌پردازد. در بازار پول باز هم بانک مرکزی و بانکهای تجاری عرضه کنندگان پول هستند، اما نه بر اساس نرخ بهره. متقاضیان پول نیز برای تامین نیازهای معاملاتی و احتیاطی خود خواستار تهیه پول هستند ولی نه به شکل تابعی از نرخ بهره، چون طبق قانون وامی داد و ستد نمی‌شود، نرخ بهره در بازار پدید نمی‌آید. عرضه و تقاضای پول به صورت تابعی از درآمد یا سایر متغیرها قابل تدوین می‌گردد.

طبق قانون جدید بانکها باید بر اساس عقودهای پیش‌بینی شده به فعالیت بپردازند. بانکها، در واقع، به عرضه کنندگان و جوه در بازار کالا تبدیل شده‌اند. کالاهای سرمایه‌ای

به وسیله تولیدکنندگان و کالاهای مصرفی توسط مصرف کنندگان مورد تقاضا واقع می شود و وجوه مورد نیاز را بانکها به شکل عقود و یا قرض الحسنه عرضه می کنند. این فعالیتها در بازار کالا صورت می گیرد نه بازار پول. قانون جدید موجب تعطیل بازار وام و گسترش بازار کالا در اقتصاد ایران شده است.

حال به بررسی آثار بالقوه این تغییر می پردازیم. نخستین اثر، الزام اختصاص وجوه پس اندازکنندگان به فعالیتهای سرمایه گذاری یا معاملاتی است تا درآمد مازادی به آنها تعلق بگیرد. به علت تحریم ربا، پس اندازکنندگان دیگر از طریق وام دادن و ربا گرفتن نمی توانند در آمدی کسب کنند. اثر دوم، کاسته شدن هزینه فرصت سرمایه است. وجوه موسسات مالی، پیش از اجرای قانون، ممکن بود وام داده شود یا به خرید اوراق قرضه اختصاص پیدا کند. فرصت دیگر اختصاص آنها به فعالیتهای سرمایه گذاری بود. بدین جهت وقتی عرضه کننده ای وجوه خود را به فعالیتهای تولیدی اختصاص می داد که پیش بینی می کرد نرخ بازدهی متظره سرمایه گذاری از نرخ بهره اوراق قرضه یا وام بیشتر باشد. با حذف بازار وام، فرصتهای قبلی برای اختصاص وجوه از میان رفته و خود به خود هزینه فرصت سرمایه گذاری پائین می آید.

عرضه وجوه به صورت مشارکت، به عوض وام، باعث می شود که هر دو شریک در زیانها و خطرهای سرمایه گذاری سهیم باشند. در نتیجه مخاطرات حاصل از فعالیتهای سرمایه گذاری نیز مشترک بوده و تنها به سرمایه گذار تحمیل نمی شود. در شرایط بازار وام و جواز اخذ ربا، وام دهنده در هیچ یک از خطرهای واقعی فعالیتهای تولیدی مشارکت نمی کرد و تمام آنها به سرمایه گذار تحمیل می شد. اینک این خطرات میان عرضه کننده و متقاضی تقسیم شده و سهم متقاضی از بار تحمل آنها سبکتر شده و بالطبع تقاضای او برای سرمایه گذاری بیشتر می شود. در شرایط وام ربوی، سرمایه گذار درصدی به عنوان خطر به نرخ بهره اضافه می کند و فعالیتهای سرمایه گذاری را به شرطی شروع می کند که نرخ بازدهی متظره آن از مجموع نرخ جبران خطر بیشتر شود. با تقسیم هزینه جبران خطر و حذف نرخ بهره، بالطبع تقاضا برای فعالیتهای سرمایه گذاری در کل اقتصاد بالا می رود.